**نام مقاله: اخذ بهاي استفاده در كتابخانه ها: چرا و چگونه**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 43 \_ شماره سوم، جلد 11**

**پديدآور: حيدر مختاري**

**مترجم:**

**چكيده**

 **گرفتن هزينة استفاده در ازاي استفاده از برخي خدمات و منابع خاص كتابخانه، يكي از مسائل مناقشه­برانگيز در اقتصاد اطلاعات است و موافقان و مخالفان، در مورد آن نظرهاي گوناگوني دارند. تحليل اقتصادي هزينة استفاده و بديلهاي پيش­روي كتابخانه براي گرفتن اين هزينه مي‌تواند روشنگر باشد و پاسخي علمي به مخالفان است و نشان مي­دهد كه گرفتن هزينة استفاده، نه تنها لازم است؛ بلكه به كارآيي خدمات پاية كتابخانه هم كمك مي­كند. مقالة حاضر، عمدتاً در صدد تحليل اقتصادي اين بديلهاست.**

**كليدواژه­ها: هزينة استفاده، تحليل اقتصادي، كتابخانه­ها.**

**مقدمه: چرا كتابخانه‌ها؟**

**قيمت­گذاري براي استفاده از برخي خدمات و منابع هزينه­بردار كتابخانه از مقوله‌هاي مطرح در حوزة اقتصاد اطلاعات است كه براي جلوگيري از بحران قيمت و مقابله با افزايش بي‌دليل هزينة تمام­شده در كتابخانه صورت مي­گيرد (باب­الحوائجي، 1386: 33). توسعه فناوري ارتباطات و اطلاعات در انواع كتابخانه، افزايش تعداد كاربران آنها و تنوع انتظارها و تقاضاهاي آنان از كتابخانه، ثابت ماندن و حتي گاه كاهش بودجة اختصاص يافته به آنها و لزوم تأمين قسمتي از بودجة لازم براي كتابخانه از خودش و سرانجام، لزوم پويايي و پاسخگوبودن روزافزون كتابخانه به كاربران در محيط و بستر رقابتي امروزي، براي بقا و مشتري­مداري، كتابخانه‌ها را بر آن داشته تا براي بهبود عملكرد و جبران برخي هزينه‌ها به خدمات انتفاعي و گرفتن هزينة استفاده از برخي خدمات و كالاهاي خود روي بياورند؛ البته اين خدمات و كالاها جزو خدمات و كالاهاي پايه و اوليه نيستند و تهيه و تدارك آنها براي كتابخانه هزينه‌بر است؛ يعني در مقايسه با خدمات و كالاهاي پايه، هزينة نهايي بالايي دارند؛ مثل خدمات جستجوي پيوسته و يا خدمات تحويل مدارك.**

**بحث گرفتن هزينة استفاده از كاربران كتابخانه مورد بررسي و محلّ مناقشة بسيار است. مخالفان، بيشتر خدمات اطلاعاتي و غيرانتفاعي را مستمسك قرار مي‌دهند و مدعي‌اند كه كتابخانه في نفسه براي ارائه‌ خدمات به شهروندان، در جامعة مردم سالار بنانهاده شده و در چنين جامعه‌اي، اطلاعات، حق شهروندان است و بايد دسترسي آزاد و بدون هزينه به آن داشته باشند و موافقان هم بيشتر برآنند كه گرفتن هزينه، ناقض چنين كاركرد پسنديده‌اي نيست؛ بلكه خدمات را بهبود مي‌بخشد و باعث كارايي اجتماعي نهاد كتابخانه مي‌شود؛ وانگهي رفتار كاربران را هم در استفاده از كتابخانه اصلاح مي‌كند.**

**در اين مقاله، برآنيم كه ضمن تعريف و تبيين كاركردهاي هزينة استفاده و كاربرد آن در كتابخانه ـ در كلّ آنها، نه فقط كتابخانه‌اي خاص ـ و مرور نظر مخالفان و موافقان اين مسئله، به اين نكته بپردازيم كه آيا به لحاظ اقتصادي، گرفتن هزينة استفاده در كتابخانه كارآست و اگر چنين است، به چه صورت بايد انجام گيرد و دلايل اقتصادي خود را در اين مسائل، بيشتر با در نظر گرفتن هزينة زمان صرف­شدة كاربر و هزينة كلي كتابخانه ارائه دهيم؛ ضمناً دلايل ارائه­شده صرفاً چارچوب نظري دارند و شيوه و سياق به‌كارگيري آنها را مديران كتابخانه‌ها ـ برحسب هدف، نوع، كاربران و شرايط اقتصادي و امكانات كتابخانه ـ تعيين مي­كنند.**

**هزينة استفاده و كاركردهاي آن**

**هزينة استفاده[1] با اصطلاحات ديگري همچون پرداختي استفاده‌كننده[2] و هزينة بهره‌برداري[3]، مترادف است. اين اصطلاح، تعاريف مختلفي دارد؛ مثلاً هزينه‌اي است كه فقط افرادي مي‌پردازند كه از كالا يا خدماتي بهره مي‌برند (در مقابل هزينه‌اي كه از همه گرفته مي‌شود)؛ يا پرداختي است در ازاي استفاده از كالاها و خدمات عمومي، مثل پاركهاي ملّي، آثار باستاني و برخي از خدمات كتابخانه‌هاي عمومي.**

**در بيشتر موارد، گرفتن هزينة استفاده براي تأمين مالي برخي خدمات و كالاهاست كه در جهت رشد و توسعة خدمات و بهينه‌سازي كالاها صرف مي‌شود؛ امّا اين، يك روي سكّه است؛ چيزي كه كمتر بدان پرداخته‌اند، نقش هزينة استفاده در اصلاح رفتار مصرف‌‌كننده است؛ مثلاً اگر قرار باشد بابت به­كارگيري كالايي عمومي، هزينه‌اي معيّن پرداخت شود، استفاده‌كننده با دقت و ظرافت بيشتري به استفاده يا عدم استفاده از آن مي‌انديشد و احتمالاً آن كالا را ضايع نمي‌كند. اگر قرار باشد از كارخانه‌هايي كه آلاينده‌هاي كمتري توليد مي‌كنند، نسبت به آنهايي كه مواد آلاينده را بي‌محابا در محيط مي‌پراكنند، هزينة استفاده كمتري دريافت­شود، كارخانه‌هاي اخير هم به كاهش آلاينده‌هاي خود و اصلاح شيوة توليدشان ترغيب مي‌شوند. در اين موارد، جرح و تعديل در هزينة استفاده، باعث اصلاح رفتار است؛ براي اينكه كارايي اجتماعي ـ نه لزوماً اقتصادي ـ حاصل­آيد (United States…, 2006).**

**اگر هدف از گرفتن هزينة استفاده، تأمين نسبي برخي هزينه‌هاست، متغيرهاي بسياري را بايد لحاظ كرد؛ از طيف درآمد گرفته تا هزينه‌ها ـ حتي خود هزينة اخذ و ثبت همين هزينه‌‌ها. سود نهايي، بايد دست كم، برابر هزينة نهايي باشد تا گرفتن هزينه، كارا محسوب شود.**

**پرداخت هزينة استفاده، نوعي مبادلة‌ اختياري است. افراد، خودشان تعيين مي‌كنند كه در ازاي پرداخت هزينه، از كالا يا خدمتي استفاده بكنند؛ يا نه؛ البته اين هزينه را نبايد با مواردي همچون مالياتها ـ كه پرداختشان اجباري است ـ يا جرايم -كه هدفشان، تنبيه است ـ يكسان دانست. اگر هزينة استفاده‌ گرفته نشود، كارآيي و رفاه اجتماعي، تحت‌الشعاع قرار مي‌گيرد و يا افرادي در جهت استفادة غيرمنصفانه يا ناكارآمد از برخي كالاها و خدمات برمي‌آيند. به علاوه، ارائة برخي كالاها و خدمات را نمي‌توان تنها بر عهدة بازار گذاشت تا در قالب كالاي خصوصي (يا متاع) خريد و فروش شوند؛ زيرا از عواقب اين كار، بالا رفتن كاذب قيمتها و انحصارگري است؛ بنابراين، از اين ديد هم گرفتن هزينة استفاده، لازم است.**

**بهاي استفاده در كتابخانه‌ها: تاريخچه و ديد كلّي**

**گرفتن پول در قبال استفاده از منابع كتابخانه‌اي ـ البته به شكلي ديگر ـ پيشينه‌اي طولاني دارد. وقتي فقط يك نسخة دستنويس از كتابي ارزشمند در قفسة كتابخانه‌اي مربوط به تاريخ باستان يا قرون وسطي وجود داشت، امانت بردن آن، مستلزم به وديعه گذاشتن برخي داراييهاي خصوصي امانت‌گيرنده بود. برخي كتابخانه‌هاي دانشگاهي در قرون اخير هم هزينه‌هايي را غيرمستقيم دريافت مي‌كردند. گرفتن هزينة استفاده در كتابخانه‌ها اولين بار پس از جنگ جهاني دوم و با دريافت بهاي تكثير مدارك (فتوكپي) معمول شد. هرچند با تأمين هزينة كتابخانه‌ها از محل ماليات، اعانات و بودجه‌هاي دولتي، گرفتن هزينة استفاده را در كتابخانه عجيب نشان مي‌داد؛ امّا از آنجا كه بيشتر كتابخانه‌ها قرباني كمبود بودجه‌هاي عمومي و دولتي بوده‌اند و بخصوص بحرانهاي اقتصادي سالهاي اخير، آنها را در معرض تنگناهاي اقتصادي قرار داده است، اخيراً مجبور به تأمين قسمتي از هزينه‌ها از طرق ديگر ـ از جمله از راه گرفتن هزينه از كاربر ـ شده‌‌اند. زماني قوانين محكم و سختي در سطح ملي و منطقه‌اي وجود داشت كه گرفتن هزينه را در كتابخانه‌ها ـ بويژه كتابخانه‌هاي عمومي ـ قوياً نفي مي‌كرد؛ ولي كم‌كم براي مواردي چون ديركرد منابع، آسيب‌رساني و تخريب آنها، استفاده از فناوري اطلاعات و رايانه‌ها و... هزينه‌اي از كاربر دريافت شد. اين تساهل آشكار، ناشي از تجديدنظر و اصلاح همان قوانين محكم و سخت پيشين بود! (Mahmood et al, 2005: 105). امروزه گرفتن هزينه در قبال استفاده از منابع اينترنتي و پايگاه‌هاي اطلاعاتي در كتابخانه‌ها، امري بسيار رايج و پذيرفته شده است.**

**كتابخانه از گرفتن هزينة استفاده، چند هدف دارد: تأمين هزينة بخشي از خدمات و كسب عايدي (به شرطي كه هزينة اين كار، بيشتر از سودش نباشد!)، تكية كمتر به ماليات و اعانات بيروني، تهية خدمات و كالاهاي هزينه‌بر و پركاربرد، ايجاد تساوي بين كاربران (يعني داشتن سهمي در پرداخت هزينه در قبال و به نسبت خدمات مورد استفادة آنان)، ايجاد امكان تعيين كالاها و خدمات مورد اقبال و كم و كيف آنها (در بلندمدت) و تخصيص مناسب خدمات با كارايي اجتماعي (به طوري كه هزينة‌ نهايي با سود نهايي، همتراز باشد) براي جلوگيري از عرضة بيش از حد يا كمتر از حدّ كالا و خدمات و ناكارآمدي اجتماعي (در كوتاه مدّت) و مانند آنها (Van House, 1983: 106).**

**در كنار اين مزايا، يك عيب عمدة گرفتن هزينة استفاده در كتابخانه ـ و عموماً در همة كالاها و خدمات عمومي ـ آن است كه همه از عهدة پرداخت آن برنمي‌آيند. با اين‌حال، كتابخانه با كاركرد آرشيوي، سازماندهي و اشاعة اطلاعات و خدمات پايه و اولية‌ رايگان، دين خود را به جامعه ادا مي‌كند و اين نمي‌تواند نافي حق آن براي گرفتن هزينة استفاده باشد. حتي امروزه كتابخانه‌ها بخشي از درآمدهاي خود را با اجاره‌دادن سالن همايش، اجارة مواد و وسايل سمعي و بصري، رزرو كتاب، تكثير و گرفتن پول از افراد غيرعضو و ... تأمين مي‌كنند (Geng, 2004: 2).**

**يك نمونة موارد لزوم گرفتن هزينة استفاده، خدمات مرجع الكترونيكي است. توجيه امر، ساده است: جستجوي اطلاعات و بازيابي آن، هزينه دارد و حتي، برخي كارگزاران، برحسب تعداد تك جستجوهاي انجام شده، از كتابخانه وجه اشتراك مي‌گيرند. هر بار جستجو، عملي منحصر به فرد است و مثل امانت كتاب نيست كه تكرار شدني باشد و بنابراين، هزينه­بر است. از خدمات نمايه‌سازي و چكيده‌نويسي خودكار، هزينه دريافت مي‌شود؛ زيرا اين خدمات در مقايسه با خدمات سنتي و چاپي آن، در وقت كاربر (هزينة فرصت وي) صرفه‌جويي مي‌كند و گزينه‌هاي اطلاعاتي بيشتري به دست مي‌دهد؛ پس هزينه‌بر بودنش، منطقي است. حتي تكثير مدارك هم در وقت صرفه‌جويي مي‌كند. تصور كنيد لازم بود كاربر به جاي فتوكپي مدارك غيراماني، از آنها رونويسي كند! به علاوه، چه ايرادي دارد كه كتابخانه‌ها از كاربراني كه به قصد سود كردن و نفع مالي، از اطلاعات آن كتابخانه بهره مي‌برند، مطالبة پول كنند؟**

**به هر صورت، اين‌گونه نيست كه كتابخانه هزينة استفاده را كامل و تمام بگيرد؛ بلكه به كاربر يارانه مي‌دهد؛ مثلاً در ارائة خدمات جستجوي پيوسته، هزينه دستگاه و كارمند اطلاع‌ياب، به شمار نمي‌آيد. از طرفي، همان‌طور كه گفته شد، كتابخانه­ها بنا به صبغة فرهنگي و اجتماعي خود، بابت خدمات پايه و عمومي، هيچ‌وجهي دريافت نمي‌كنند و اين همان خدمات رايگان است كه مخالفان اخذ بها به اشتباه، با ديگر خدمات مستلزم بها، يكسان تلقي مي‌كنند و از اين‌رو، با آن مخالفت مي‌كنند؛ البته گرفتن هزينة استفاده در بهبود خدمات پايه هم مؤثر است.**

**مخالفان و موافقان گرفتن هزينة استفاده**

**از دهة 1970 بدين‌سو، در مورد لزوم يا عدم لزوم گرفتن هزينة استفاده، بحث و جدل فراوان بوده و بسياري موافق و مخالف اين ايده نظر داده‌اند. در ادامه به اختصار برخي توجيه‌هاي عمدة هر دو گروه مي‌آيد (Mahmood et al, 2005: 107-8):**

**موافقان، مزايايي چون كم شدن اتلاف منابع كتابخانه، باور كاربر به ارزش كالاها و خدمات، سودآوري فردي و شخصي اطلاعات، كمك به تصميم‌گيري بهتر كتابخانه براي عرضة كالاها و خدمات مطلوب، تعديل نسبي افزايش هزينه‌ها و فتح باب براي خدمات جديد را مطرح مي‌كنند و مخالفان هم در مورد دغدغه­هايي مانند سنت‌شكني خدمات رايگان كتابخانه، استفادة دوباره كتابخانه از ماليات با گرفتن هزينه استفاده و نابرابري در دسترسي كاربران با ميانگين درآمد كمتر، به اطلاعات، سخن مي‌گويند.**

**در اينجا فقط به چند انتقاد عمده‌ مي‌پردازيم و آنها را به لحاظ اقتصادي رد مي‌كنيم. (بحث اصلي مقاله، فراتر از اين است). آنان كه مي‌گويند گرفتن هزينة استفاده، نافي حق دسترسي آزاد و برابر به اطلاعات است، به اين توجه نمي‌كنند كه كتابخانه خدمات عمومي و پايه را رايگان و يا با پرداخت حق عضويتي بسيار كم، ارائه مي‌دهد و هزينة استفاده در قبال خدمات هزينه­بر و خاصّ غيرپايه دريافت مي‌شود. ضمناً ماليات، فقط بخشي از درآمد كتابخانه را تأمين مي‌كند. در پاسخ آنان كه به نابرابري ناشي از هزينة استفاده خرده مي‌گيرند، مي‌توان گفت كه شريك كردن كاربران در هزينة خدمات خاصّ به آنها عين برابري است و نيز هر كتابخانه‌اي ممكن است گروهي را ـ به هر دليلي ـ بيشتر از گروه يا گروه‌هاي ديگر در اولويت قرار دهد؛ مثلاً يك كتابخانة دانشگاهي به استادان بيشتر خدمات بدهد تا به دانشجويان.**

**تحليل اقتصادي هزينه استفاده**

**علم اقتصاد به بديلها مي‌پردازد. افراد، مؤسسه‌ها و گروه‌ها، منابع ـ پول، انرژي، زمان و ... ـ محدودي دارند. هر انتخابي، برابر است با از دست دادن گزينه‌هاي ديگر. تحليل اقتصادي به هزينه و كارايي و پيش‌بيني رفتار افراد در مواجهه با اين بديلها نظر دارد. هر جا پاي منابع كمياب ـ همچون اطلاعات و منابع كتابخانه ـ در ميان باشد، اقتصاد و تحليل اقتصادي نيز مطرح مي‌شود. اينكه بپذيريم هزينة استفاده بايد گرفته شود يا نه و اگر بله، چگونه، مستلزم تحليل اقتصادي بديلهاي پيش‌روست.**

**كاربران، انسان هستند و از اين‌رو، ترجيحات و هدفهاي استفاده‌شان از كتابخانه در مجموعه‌اي از عوامل تنيده است كه تجزيه و تحليل همزمان آنها بسيار مشكل است. در اين نوشتار، براي تحليل بديلها از سنجه (معيار اندازه­گيري) عيني «هزينة زمان يا فرصت» استفاده مي‌كنيم. وقتي مي‌توانيم به تساوي در استفاده دست يابيم كه هزينة استفاده را به سمت و سوي افراد پردرآمد، سوق داده و استفادة كم درآمدها را از كتابخانه افزايش دهيم. هزينة زمان استفاده براي هر كاربر، عبارت است از مقدار دستمزد يا درآمدي كه آن شخص بر اثر استفاده از كتابخانه از دست مي‌دهد (كه براي هر فرد، بسته به ميزان دستمزد وي در واحد زمان، متفاوت است).**

**بر اين اساس، گزينه‌هاي ممكن براي كتابخانه را يكي‌يكي بررسي و به لحاظ اقتصادي تحليل مي‌كنيم.**

**الف) بدون گرفتن هزينة استفاده**

**فرض مي‌كنيم كتابخانه­اي طي گذر زمان، بدون دريافت هزينة استفاده، با تمام امكانات، به همة كاربران، خدمات بدهد. به لحاظ نظري، دستمزد كاربران به مرور زمان و با افزايش اطلاعات و تجربة‌ آنان، افزايش مي‌يابد و به موازات اين امر، هزينة زمان استفاده نيز افزايش مي‌يابد و كاربران، كمتر به كتابخانه مراجعه مي‌كنند و درصدد رفع نياز اطلاعاتي خود از مجاري ديگر برمي‌آيند تا در فرصت و زمان، صرفه‌جويي كنند (مثلاً ‌به جاي امانت كتاب به خريد كتاب روي مي‌آورند). حالا استفاده از كتابخانه كم و كمتر مي‌شود؛ زيرا ارزشهاي سودآورتري به وجود آمده و خدمات جايگزيني با زمان كمتر در دسترس كاربران است. كتابخانه در مواجهه با اين امر، بايد كاري كند كه كاربر، نسبت به قبل، زمان كمتري صرف يافتن يك واحد اطلاعات كند تا به استفاده ترغيب شود؛ مثلاً با افزودن تعداد ايستگاه‌هاي كاري، استخدام كتابدار مرجع تازه ­نفس و تسريع خدمات جستجوي پيوسته. اين كار براي كتابخانه هزينه‌بر است و چون اين كتابخانه، عايدي ديگري ندارد و مثل بسياري از كتابخانه‌هاي ديگر، وضعيت بودجة غيرثابت و ناهمگوني دارد؛ پس عملاً نمي‌تواند دست به اين كار بزند و كم‌كم كاربران ـ بخصوص كاربران فرهيخته و آموزش ديده‌اش را كه هزينة زمان بيشتري دارند ـ از دست مي‌دهد. نتيجه مي‌گيريم كه اگر كتابخانه هزينة استفاده دريافت نكند، راه به جايي نمي‌برد؛ چون به خاطر رايگان بودن خدمات، تقاضا بالاست و امكانات، محدود و روز به روز بر زمان انتظار براي رفع نياز اطلاعاتي، اضافه مي‌شود و اين امر بر ميزان استفاده تأثير منفي مي‌گذارد؛ پس «گرفتن هزينة استفاده: آري»؛ ولي چگونه؟‌ براي پاسخ به اين سؤال، به بديلهاي ديگر مي‌پردازيم.**

**ب) دريافت هزينة استفاده براي تمام خدمات**

**اين شق، درست، عكس بديل قبلي و جالب توجه است. كتابخانة پيش‌گفته ناگهان تصميم مي‌گيرد كه هزينة استفاده از تمام خدمات را از كاربران اخذ كند. اين هزينه به هزينة‌ زمان ـ كه پيشتر افزايش‌يافته است ـ اضافه مي‌شود. كاربران معترض مي‌شوند و ناگهان صحنه را خالي مي‌كنند. استفاده از كتابخانه بسيار كاهش مي‌يابد، امّا واقعيت، چيز ديگري است. حالا كه متقاضيان كم شده‌اند و در قبال استفاده، بهايي پرداخت مي‌كنند، خدمات بهتري هم دريافت مي‌كنند؛ چون ايستگاه‌هاي كاري، خلوت­تر است، كتابداران فرصت بيشتري براي پرداختن به امور كاربران دارند و زمان استفاده، كم شده است و بالطبع، هزينة زمان استفاده هم كمتر. اين خدمات، كاربران ديگر را هم كه سابقة استفاده داشته‌اند، ترغيب مي‌كند تا دوباره به استفاده از كتابخانه روي بياورند؛ زيرا در مقايسه با بهايي كه مي‌پردازند، سود بيشتري (به خاطر كم شدن هزينة زمان) كسب مي­كنند؛ بخصوص آنها كه از اطلاعات، سودآوري دارند؛ مثل تجار و كسبه. باز هم اين كتابخانه به مرور زمان پراستفاده مي‌شود. حالا بيشتر، افرادي به كتابخانه مي‌آيند كه از اطلاعات براي توليد و سود استفاده مي‌كنند و درآمد بالايي دارند و ديگر چندان خبري از افراد كم‌درآمد نيست؛ چون اينان فكر مي‌كنند بهاي استفاده از كتابخانه براي آنان بيشتر از سودش است. با اين­حساب، انتظار مي‌رود ميزان استفاده، كمتر از زماني باشد كه اصلاً هزينه‌اي بابت استفاده گرفته نمي‌شد. ولي اين بديل، توصيه نمي‌شود؛ زيرا هم به لحاظ كاركرد سنتي كتابخانه، كاري غيرمردمي است و معلوم هم نيست كه ميزان استفاده در بلندمدت، چقدر باشد و هم اينكه اين بديل به حيثيت و جايگاه اجتماعي كتابخانه آسيب مي‌زند؛ استقلال آن را كم مي‌كند و حمايت مردمي را كاهش مي‌دهد و رسيدن به نقطة تعادل جديد، درازمدت است. اما بديل بعدي:**

**ج) هزينة استفاده براي خدمات به صرفه**

**اكنون كتابخانه به جاي گرفتن هزينة استفاده از تمام خدمات، دست به گزينش مي‌زند و ارائة خدمات و كالاهاي جديد و يا خدمات و كالاهاي به صرفه‌تر را مقيّد به گرفتن هزينه‌شان مي‌كند. براي مثال، پايگاه‌هاي كتابشناختي پيوسته را هم به پايگاه‌هاي كتابشناختي چاپي اضافه مي‌كند كه در زمان و فرصتي كوتاه‌تر (به صرفه‌تر) عمل مي‌كنند. كاربران، مختارند كه از خدمات عادي (بدون بها) استفاده كنند؛ يا از خدمات سريع و به صرفه كه مستلزم پرداخت هزينه است؛ چون اين خدمات براي كتابخانه گران تمام مي‌شوند و اگر هزينة استفاده از آنها گرفته نشود، به ديگر خدمات لطمه مي‌زند. مثال ديگر، انجام جستجوهاي بيشتر و صرف وقت بيش از حد تعيين شدة استاندارد، در قبال گرفتن پول از كاربر است. در اين حالت، امكان انتخاب وجود دارد: انتخاب خدمات عمومي با همه محدوديتها و وقتگير بودنش؛ يا انتخاب خدمات به صرفه و سريع با تمامي مزايا و هزينه‌هايش. در تمام اين موارد، خدمات نوين و خاصي عرضه شده و گرفتن هزينه منطقي است. اگر كاربر، كاهش هزينة زمان اخذ اطلاعات را مقدم بر پرداخت هزينة مالي بداند، بهاي استفاده را خواهد پرداخت.**

**در ادامه، كاربراني كه خدمات جديد و هزينه‌بر را سودمند مي‌دانند، به اين خدمات روي مي‌آورند و اين امر، تراكم و احتباس درخواست خدمات عادي (بدون بها) را كم مي‌كند و در نتيجه، اين خدمات نيز ارتقا مي‌يابند و به افراد كم‌درآمد بيشتري تعلق مي‌گيرند و در وقت آنان هم صرفه‌جويي مي‌شود. هر دو طرف، مشتري خاص خود را خواهندداشت.**

**اما اعمال اين بديل، وجهة خوبي ندارد و كاربران نمي‌توانند بپذيرند كه همزمان، دو شق خدمات همسان وجود دارد كه يكي در قبال پرداخت هزينه (ولو سريع‌تر) ارائه مي‌شود و آن ديگري عادي (اگرچه رايگان) است.**

**پس بايد چاره‌اي ديگر انديشيد: انجام كاري واحد (مثل جستجوي رايانه­اي) به صورتي متفاوت از هم ـ يا توسط خود كاربر و رايگان، يا به كمك يك كتابدار خبره و در قبال گرفتن هزينه. بسته به نياز، عمق اطلاعات و فوريت امر، خود كاربر مي‌تواند يكي از اين دو خدمت متفاوت و هم­هدف را انتخاب كند. نتيجه در درازمدت، افزايش هزينة استفاده از فرد خبره و هجوم كاربران به سمت رايانه، براي انجام فردي جستجو خواهد شد. اين بدان معناست كه بايد در فكر ارتقاي نظامهاي بازيابي نيز بود تا هم هزينة كاربران و هم هزينة كتابخانه كاهش يابد.**

**د) هزينة استفاده براي خدمات ابتكاري**

**و سرانجام، كتابخانه مي‌تواند به موازات دريافت هزينه‌اي براي خدمات متنوع خود، دست به نوآوري بزند؛ مثلاً با قيمتي كمتر، خدمتي ارائه دهد كه پيشتر، انحصاري و در دست بخش خصوصي بوده است. با اين كار، افرادي كه مجبور بودند براي دريافت اين خدمت به بخش خصوصي مراجعه ‌كنند با درآمدهاي ـ بالا يا متوسط ـ به كتابخانه مراجعه مي‌كنند و افراد كم درآمد هم كه به سراغ بخش خصوصي نمي­‌رفته­اند، براي اولين بار از اين نوآوري در خود كتابخانه بهره مي‌برند. كتابخانه مجموعاً از اين گزينه‌ها براي ارتقاي خدمات (در سطح پايه و سطح گرفتن هزينه) استفاده مي‌كند تا هم خدمات عمومي و هم خدمات خاص خود را عرضه­ كند.**

**نتيجه‌گيري**

**هزينة استفاده، بحثي مطرح در انواع خدمات كتابخانه‌هاي مختلف است و در قبال استفاده از خدمات خاصّ و هزينه­بر كتابخانه گرفته مي‌شود. برخلاف نظر مخالفان گرفتن هزينة اين كار، نه تنها به كارايي كتابخانه كمك مي‌كند، بلكه تداوم بخش و تسريع‌كنندة امور خدمات پايه و رايگان هم هست و اين كج‌فهمي مخالفان، از آميختگي كارايي اجتماعي و سود فردي و خصوصي ناشي شده است. ارائة‌ خدمات در قبال گرفتن هزينة استفاده، بديلي براي عامل وقت و زمان كاربر است كه خود وي انتخابش مي­كند. به كارگيري بديلهاي مختلفي كه امكان انتخاب به كاربر بدهند ـ از تغيير رويّه‌ها و خدمات فعلي گرفته تا فراهم‌آوري خدمات جديد ـ به كارايي اجتماعي مي‌انجامد. تكيه بر هزينة استفاده به استقلال و بهبود خدمات كتابخانه منجر مي‌شود؛ ضمناً نظر به افزايش ميانگين درآمد كاربران در گذر زمان و تغيير هزينة زماني آنان، كتابخانه بايد مدام در برنامه‌ها و خط‌مشي خود تجديدنظر كند و زمان را در طراحي خدمات و نظامها و مطالعة كاربران، عاملي مهم در نظر بگيرد.**

**منابع**

**ـ باب­الحوائي ، فهيمه (1386). اقتصاد اطلاعات در كتابخانه­ها و مراكز اطلاع­رساني. اطلاع­شناسي. دورة 4، شمارة 3 و 4 (تابستان) : 50-29.**

**- Geng, Tan Hooi (2007). "Implementing fee-based services for libraries". NationalLibrary Boards. Accessed via: http://www.consal. org/webupload/resource/brief/attachments [24 Jun2007].**

**- Mahmood, K; Hameed,A; Haidar, S.J. (2005). "Fee vs free based library services: survey of library leaders in Pakistan". Malaysian Journal of Library and Information Science. Vol. 10, No.2 (Dec):105-115.**

**- United States Department of Agriculture. Economic Research Service (2006). Economic analysis and user fees. [report]. Accessed: http://www.ers.usda.gov/publications [15 June 2007].**

**- Van House, Nancy (1983). Public Library User fees. London: Greenwood Press.**

**--------------------------------------------------------------------------------**

**1. use fee.**

**2. user fee.**

**3. beneficiary fee.**